

پیامدهای استراتژیک عضویت ایران در بریکس در مسیر مقابله با تحریم‌ها

محمد منقوش^۱هما رحمانی^۲رضا موسی زاده^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۸/۳۰

چکیده

گروه بریکس یک گروه بین‌المللی به رهبری قدرت‌های اقتصادی نوظهوری است. بریکس^۱ مخفف پنج اقتصاد بزرگ در حال ظهور است: برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی. از سال ۲۰۰۹، دولت‌های کشورهای بریکس سالانه در اجلاس‌های رسمی تشکیل جلسه داده‌اند. عضویت ایران در این گروه نه تنها به عنوان یک گام مهم در جهت تقویت تعاملات اقتصادی بین‌المللی و کاهش وابستگی به ساختارهای اقتصادی غربی تلقی می‌شود، بلکه از منظر استراتژیک، پیام روشنی از سوی سران این گروه و به خصوص چین روسیه به جهان غرب درباره هم‌پیمانی‌های جدید و مقابله با تحریم‌ها ارسال شده است. نوع روش تحقیق حاضر توصیفی تحلیلی و روش گردآوری اطلاعات مطالعات کتابخانه‌ای است. نتایج نشان داد فقط یکی از مهم‌ترین دلایل اهمیت حضور ایران در گروه بریکس این است که این گروه به واسطه دارا بودن نیمی از جمعیت جهان و بین ۲۵ تا ۲۸ درصد از ظرفیت اقتصاد جهانی پتانسیل بالایی برای تأثیرگذاری بر اقتصاد جهانی دارد و از رشد پرشتاب اقتصادی و نفوذ در امور جهانی هم برخوردار است و از سوی دیگر یکی از رویکردهای اصلی اعضای بریکس هم این بوده که آن‌ها همیشه حامی کشورهای در حال توسعه و کشورهای جنوب و برقرارکننده تعادل و عدالت اقتصادی در مقابله با نظام پولی و بانکی غربی بوده‌اند. عضویت ایران در بریکس به کشور امکان دسترسی به منابع مالی این گروه و دور زدن تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده را می‌دهد. هرچند تحریم‌ها ممکن است دسترسی ایران به برخی منابع را محدود کند، اما بریکس با هدف دلارزدایی روش‌های متنوعی را برای ارائه خدمات مالی به اعضای خود اتخاذ کرده است که می‌تواند به ایران در مقابله با تحریم‌ها کمک کند.

واژگان کلیدی

بریکس، تحریم، کشورهای در حال توسعه، توسعه اقتصادی، موازنه نرم.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دامغان، دامغان، ایران. (نویسنده مسؤول: M.manghoosh@gmail.com)

۲. کارشناسی فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه گنبد کاووس، ایران. کارآموز و کالت کانون وکلای اصفهان.

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه دامغان، دامغان، ایران.

مقدمه

تحول و انتقال قدرت همواره یکی از موضوعات قابل توجه در تاریخ بشریت بوده است. در گذشته انتقال قدرت صرفاً از منظر نظامی مورد بررسی قرار می گرفت اما امروزه این انتقال ابعاد دیگری نظیر بعد اقتصادی را نیز شامل می شود. نظم فعلی حاکم بر جهان از یک نظام تک قطبی به رهبری غرب و به خصوص آمریکا پیروی می کند؛ اما بررسی روندهای اقتصادی نشان از ایجاد تغییر و تحول و انتقال قدرت در جهان می باشد که افزوده شدن ابعاد سیاسی و فرهنگی بر این تحول صحنه می گذارند. بریکس یکی از نهادهایی است که با ایجاد همگرایی میان کشورهای در حال توسعه و مستعد رشد شروع به ایجاد انتقال مرکز قدرت در جهان کرده است. با توجه به شرایط خاص ایران و تحریم شدن توسط قدرت های حاکم فعلی، پیوستن به چنین نهادهایی می تواند فرصت رشد و توسعه را برای آن فراهم کند (اسماعیلی میاردان و نجفقلی زاده، ۱۴۰۳: ۸).

فعالیت گروه بریکس از سال ۲۰۰۹ آغاز شد و نام این گروه هم از حروف اول نام لاتین کشورهای عضو آن یعنی برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی گرفته شده است. بریکس را گروه نوظهوری اقتصادی نام می نهند که از اهداف آن به چالش کشیدن نظام بانکی غرب یا حتی تقابل با آن است. گروه بریکس به عنوان یک قدرت نوظهور اقتصادی به نبال افزودن تعداد اعضای خود و تشکیل ائتلاف بریکس پلاس بوده که ایران نیز در فهرست پیوستن به گروه مزبور قرار داشت که از ابتدای سال ۲۰۲۴ به این گروه پیوست. پیوستن ایران به بریکس به موازات فرصت های فراوانی که قابلیت اجرایی شدن در افق زمانی قابل پیش بینی خواهد داشت، تهدیدهای قابل توجهی را نیز برای ج.ا.ایران رقم خواهد زد که محتاج اتخاذ تدابیر مناسب و راهبردهای اساسی است (کهن هوش نژاد و قریب، ۱۴۰۳: ۲۵).

مساحت کشورهای عضو بریکس مجموعاً ۳۹,۷۴۶,۲۲۰ کیلومتر مربع (۱۵,۳۴۶,۱۰۰ مایل مربع) و جمعیت کل حدود ۳,۲۱ میلیارد، یا حدود ۲۶,۷ درصد از سطح زمین و ۴۱,۵ درصد از جمعیت جهان است. برزیل، روسیه، هند و چین جزو ده کشور بزرگ جهان از نظر جمعیت، مساحت و تولید ناخالص داخلی هستند. در سال ۲۰۲۲، این پنج کشور حدود ۲۶,۲ درصد از تولید ناخالص جهانی را به خود اختصاص داده اند. در حال حاضر دو کشور عضو بریکس، عضویت دائم شورای امنیت را دارند و سه کشور دیگر داعیه عضویت دائم در شورای امنیت و اصلاح ساختارهای سیاسی و مالی جهانی را دارند.

در واقع گروه بریکس مجموعه ای از اقتصادهای نوظهور شامل کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی است که برای ایجاد جهانی چندقطبی و مقابله با تک قطبی گرایی آمریکا و همچنین شکل گیری یک اقتصاد قدرتمند در برابر آمریکا گردآمده اند، ایران نیز برای فرارگیری در کنار کشورهای که دارای یک دیدگاه مشترک و هدف یکسان با این کشور هستند، تلاش کرده و به دنبال همگرایی با این قدرت های اقتصادی نوظهور بوده است تا بتواند به این اهداف یکسان دست یابد (مرزبانی و پلونده، ۱۳۹۹: ۸۶).

بریکس اجتماعی از کشورهای قدرتمند غیر غربی است. این کشورها احساس کردند که تغییری در نظام اقتصادی جهانی شکل گرفته که کشورهای غربی مسائل اقتصادی دنیا را تنظیم می کنند و توجهی به منافع کشورهای به اصطلاح جنوب ندارند. در واقع این کشورهای در حال رشد خواستند مجمعی تشکیل دهند که با توجه به جمعیت و منابع خود بتوانند استقلال داشته باشند. بریکس اینگونه شکل گرفت و درها را برای کشورهایی که اقتصاد در حال رشدی دارند باز

گذاشتند. کشورهایی که وسعت، جمعیت، تولید ناخالص و درآمد سرانه قابل قبولی برخوردار باشند تا بتوانند در آینده به عضویت بریکس در آیند.

تلاش‌های ایران برای عضویت در گروه بریکس به این جهت بود که رویکرد اصلی گروه بریکس "ایفای نقش به موازات نظام بین الملل موجود" است و مقامات ایرانی نباید برخی تلاش‌های اعضای این گروه مانند دلارزدایی را به معنای تقابل با غرب تفسیر کنند. با توجه به اهداف گروه بریکس، ایران می‌تواند از فرصت‌های این گروه در زمینه تجارت، سرمایه‌گذاری و انرژی بهره‌گرفته و با ایجاد تعادل میان اهداف خود و گروه بریکس، به پیشرفت‌های چشمگیری در حوزه اقتصادی و نظام سیاسی بین‌المللی دست یابد.

البته نباید تصور کنیم که تحول عظیم در اقتصاد ما صورت می‌گیرد؛ به‌ویژه آنکه ما در تحریم هستیم. اینطور فرض کنیم که به محض اینکه عضو بریکس شویم و همه کشورهای عضو بریکس هم حاضر باشند با ایران کار اقتصادی کنند. تا زمانی که تحریم‌ها برداشته نشود، ایران جزو سیستم بانکی دنیا نشود و اقتصادش در اقتصاد جهانی ادغام نشود، هیچکدام از آنها نمی‌توانند همکاری جدی با ما داشته باشند.

۱- مفاهیم و اصطلاحات

- بریکس:

بریکس یک سازمان بین‌دولتی با عضویت برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، مصر، اتیوپی و امارات متحده عربی، ایران و اندونزی و بولیوی و نیجریه است. این سازمان که نخست برای برجسته‌سازی فرصت‌های سرمایه‌گذاری شکل گرفت، به شکل یک بلوک ژئوپلیتیک تکامل پیدا کرد و از سال ۲۰۰۹ حکومت‌های آن‌ها سالانه نشست‌های رسمی برگزار می‌کنند و سیاست‌های چندجانبه را با هم هماهنگ می‌کنند. روابط دوجانبه میان بریکس عمدتاً بر اساس عدم مداخله، برابری و یاری متقابل انجام می‌شود (گوتمبرگ پاچولونیز جونور^۱، ۲۰۲۱: ۱۴۶).

درواقع گروهی از قدرت‌های اقتصادی نوظهور بریک را تشکیل دادند. در ابتدا نام این گروه بریک نام داشت اما پس از پیوستن آفریقای جنوبی، به بریکس تغییر نام یافت. چین و روسیه بریکس را به عنوان جبهه‌ای در برابر غرب می‌دانند، در حالی که برزیل تمایلی به این دیدگاه ندارد. کشورهای عضو همچنین به دنبال کاهش وابستگی خود به دلار آمریکا به عنوان ارز مسلط جهانی هستند.

- تحریم:

تحریم به معنای محدودیت‌هایی است که یک کشور یا گروهی از کشورها علیه کشور دیگر اعمال می‌کنند تا به نوعی آن را مجازات کنند یا وادار به تغییر رفتارهای سیاسی یا اقتصادی خود نمایند. این محدودیت‌ها می‌توانند در زمینه‌های مختلفی از جمله تجارت، سرمایه‌گذاری، امور مالی، سفر و حتی روابط دیپلماتیک اعمال شوند (بازیدی و میرترابی، ۱۴۰۳: ۵۹).

- کشورهای در حال توسعه:

کشور در حال توسعه یا کشور رو به رشد^۲ یک کشور با پایه صنعتی کمتر توسعه‌یافته و شاخص توسعه انسانی (HDI) کمتر نسبت به کشورهای توسعه‌یافته است. گزاره کشور در حال توسعه عمدتاً به کشورهایی با سطوح پایین توسعه

¹ Gutemberg Pacheco Lopes Junior

² developing country

اقتصادی گفته می‌شود. این موضوع تا اندازه‌ای با توسعه اجتماعی از لحاظ آموزش، بهداشت، امید به زندگی و مانند آن در ارتباط است. کلاً این اصطلاح، نوعی افت را در کشورهای در حال توسعه بیان می‌کند (اسالیوان و شفرین^۱، ۲۰۱۳: ۱۶۸).

- توسعه اقتصادی:

توسعه اقتصادی عبارت است از رشد اقتصادی همراه با تغییرات بنیادین در اقتصاد و افزایش ظرفیت‌های تولیدی اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز دگرگون خواهند شد. در مطالعه اقتصاد بخش عمومی، توسعه اقتصادی و اجتماعی فرآیندی است که طی آن رفاه اقتصادی و کیفیت زندگی یک ملت، منطقه، جامعه محلی یا یک فرد بر اساس اهداف و مقاصد هدفمند بهبود می‌یابد (خطیب، ۱۳۹۴: ۷۸).

- موازنه نرم:

موازنه نرم به نوعی از موازنه قدرت در عرصه بین‌المللی گفته می‌شود که در آن کشورها از طریق همکاری‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و دیپلماتیک به جای توسل به زور و اقدام نظامی، سعی در حفظ تعادل قدرت و جلوگیری از هژمونی یک قدرت واحد می‌کنند. این مفهوم در مقابل موازنه سخت^۲ که مبتنی بر رقابت تسلیحاتی و ائتلاف‌های نظامی است، قرار می‌گیرد.

به عبارت دیگر، در موازنه نرم، کشورها به جای اینکه مستقیماً با یکدیگر رقابت نظامی داشته باشند، از طریق ایجاد ائتلاف‌های غیرنظامی، توسعه روابط اقتصادی، ترویج ارزش‌های مشترک و همکاری‌های فرهنگی، سعی در محدود کردن قدرت رقیب و حفظ تعادل در نظام بین‌الملل دارند (علیپور گرجی و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۶).

۲- تاریخچه و چگونگی تشکیل بریکس

ایده اولیه تشکیل گروه بریکس به مدتها قبل باز می‌گردد. هنگامی که امریکا به رهبری جورج بوش به دنبال حمله به افغانستان و عراق با بهانه دموکراسی و جنگ علیه تروریسم بود، مؤسسه سرمایه‌گذاری «گلدمن ساکس» به منظور پیش بینی وضعیت اقتصادی جهان و قدرت‌های برتر آن در نیم قرن آتی مطرح شد.

ایده شکل‌گیری گروهی به نام بریکس، در سال ۲۰۰۱ توسط مؤسسه سرمایه‌گذاری گلدمن ساکس، به منظور پیش‌بینی وضعیت اقتصادی جهان و قدرت‌های برتر آن در نیم قرن آینده مطرح گردید. جیم اونیل اولین بار نام مخفف این گروه را در سر تیترا یک روزنامه اقتصادی به کار برد.

در شصت و یکمین اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد وزرای امور خارجه کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین گفتگوهای مقدماتی را آغاز کردند. بعد از این اجلاس، رهبران ارشد بریکس، در ۴ نشست دیپلماتیک دیگر (یکاترینبورگ، سائوپائولو، ژاپن و لندن) به منظور محکم ساختن پایه‌های شکل‌گیری این گروه شرکت کردند.

اولین جلسه گروه بریکس در ۱۶ ژوئن ۲۰۰۹ در یکاترینبورگ روسیه با حضور لوئیس ایناسیو لولا داسیلوا، دمتری مدودف، منموهن سینگ و هو جینتائو به عنوان نمایندگان کشورهای برزیل، روسیه، هند و چین برگزار گردید. در این اجلاس کشورهای عضو بریکس بر موضوعاتی نظیر روش‌های بهبود وضعیت اقتصادی و اصلاح نظام مالی جهان

¹ O'Sullivan, Sheffrin

² traditional balancing

متمرکز گردیدند. همچنین این کشورها در خصوص برقراری روابط پولی و تجاری نزدیک با یکدیگر و ایفای نقش مؤثر و بیشتر در امور اقتصادی جهان به بحث و تبادل نظر پرداختند.

نکته جالب تشکیل گروه بریکس که قرار است در برابر اقتصاد غرب یعنی آمریکا و اروپا قرار گیرد اینست که ایده اولیه تشکیل گروه بریکس به وسیله یک شرکت خدمات مالی و بانکداری امریکایی مطرح شد.

شرکت گلدمن ساکس در سال ۲۰۰۱ میلادی پیش بینی کرد که چهار کشور چین، هند، روسیه و برزیل تا سال ۲۰۱۰ میلادی در مسیر توسعه اقتصادی قرار گرفته و دارای بالاترین نرخ رشد اقتصادی خواهند بود که با گذشت زمان و به حقیقت پیوستن بخش عمده ای از پیش بینی های این مؤسسه، اعتبار بیشتری در بین تحلیل گران اقتصادی پیدا کرد. بعد از این اجلاس، رهبران ارشد بریکس، در ۴ نشت دیپلماتیک دیگر (یکاترینبورگ، سائوپائولو، ژاپن و لندن) به منظور محکم ساختن پایه های شکل گیری گروه بریکس شرکت کردند (رسولی نژاد، ۱۴۰۳: ۹۷).

۳- دلایل اهمیت حضور در گروه بریکس

فقط یکی از مهم ترین دلایل اهمیت حضور در گروه بریکس این است که این گروه به واسطه دارا بودن نیمی از جمعیت جهان و بین ۲۵ تا ۲۸ درصد از ظرفیت اقتصادی جهانی پتانسیل بالایی برای تاثیرگذاری بر اقتصاد جهانی دارد و از رشد پرشتاب اقتصادی و نفوذ در امور جهانی هم برخوردار است و از سوی دیگر یکی از رویکردهای اصلی اعضای بریکس هم این بوده که آن‌ها همیشه حامی کشورهای در حال توسعه و کشورهای جنوب و برقرارکننده تعادل و عدالت اقتصادی در مقابله با نظام پولی و بانکی غربی بوده‌اند.

البته بریکس یک ائتلاف فراقاره‌ای هم محسوب می‌شود که شاکله جدیدی را برای اقتصاد و سیاست جهانی تعریف کرده و اهمیت مضاعف آن در این نکته است این ائتلاف قدرتمند جهانی بدون مشارکت اروپا و آمریکا تشکیل شده و این ظرفیت را دارد تا صدایی بلند در مباحث مهم اقتصادی و سیاسی بین‌المللی باشد و نظم فعلی را به چالش بکشد. کم‌این که در حال حاضر دو کشور عضو بریکس، عضویت دائم شورای امنیت و سه کشور دیگر داعیه عضویت دائم در این شورا و اصلاح ساختارهای سیاسی و مالی جهانی را دارند.

کشورهای بریکس که همگی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهانی هستند و تاثیرگذاری بسیار بالایی بر گردش نقدینگی و روابط بین‌المللی دارند بعد از تحریم‌های گسترده غرب و هم پیمانانش علیه روسیه، به سمت ایجاد زیرساخت مالی و مستقل رفتند تا از این راه امنیت تراکنش‌های گسترده مالی‌شان به واسطه تحریم‌های یکجانبه غرب به خطر نیفتند. در سال ۲۰۱۲، پنج کشور عضو این سازمان در تصمیمی مهم و اثرگذار، خواستار ایجاد مکانیسم مالی مستقل خود شدند و دو سال بعد بریکس با ایجاد بانکی با نام «بانک توسعه جدید» که هدف آن تزریق نقدینگی و تامین منابع مالی برای زیرساخت‌ها و پروژه‌های اقتصادهای نوظهور بود، به این تصمیم جامه عمل پوشاند (بورداجف^۱، ۲۰۲۰: ۱۳۳).

به همین دلیل یکی از مخالفان اصلی اجلاس بریکس، آمریکاست که در این چند سال با همراهی متحدان غربی خود تلاش کرده روند جهانی شدن سایر کشورهای در حال توسعه را به چالش بکشد، اما با وجود این محورهای مهم مورد توجه بریکس به‌طور کلی شامل افزایش مبادلات تجاری بین کشورهای عضو و در نتیجه تقلیل وابستگی اقتصادی به اروپا و آمریکا، تشکیل بانک توسعه و ذخیره ارزی در برابر نهادهای غربی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، ایجاد روابط جنوب - جنوب، استفاده از پتانسیل کشورهای در حال توسعه برای تغییر مناسبات اقتصاد جهانی و

¹ Bordachev

عدالانه‌تر کردن آن و همچنین ایفای نقش مؤثر در کمک کردن به کشورهای درحال ورشکستگی و تأثیرگذاری مثبت بر بحران‌های سیاسی یا اقتصادی مهم جهانی است.

از زمانی که کشورها با مازاد تولید مواجه شدند تجارت نقش ممتازی در روابط کشورها ایجاد کرده است و اساساً بر اساس تئوری نسبی ریکاردو بعضاً کشوری در تولید کالایی به چنان مهارتی رسیده که کشورهای دیگر در صورتی که بخواهند آن کالا را تولید کنند باید هزینه چندبرابر پرداخت کنند و بالعکس ممکن است کالای دیگر در کشوری مشابه چنین نقشی را بازی کند. اینجاست که تجارت و استفاده از مزیت نسبی کشورها امری پسندیده و مقرون به صرفه است. از سوی دیگر به دلیل تنوع تولید کالاها و خدمات و توسعه‌یافتگی کشورها، امکان ایجاد ظرفیت خالی در کشورهای توسعه‌یافته بسیار کم بوده در نتیجه برخی کشورهای مذکور به دنبال بازارهای جدید هستند. کشورهای در حال توسعه ظرفیت خالی برای تولید و مصرف فراوان دارند ولی به دلیل کمبود امکانات زیرساختی نه فرصت سرمایه‌گذاری برای آنها ایجاد می‌شود و نه تولید انبوه و مصرف انبوه. در این بین کشورهای جدیدی تحت عنوان کشورهای نوظهور با به‌کارگیری همه ظرفیت‌های سیاسی، مدیریتی و اقتصادی توانسته‌اند از سایر کشورها فاصله بگیرند و با تجربه کردن نرخ‌های رشد اقتصادی دورقمی، همه نگاه‌ها را به سوی خود جلب کنند.

چین از جمله این کشورهاست که توانسته طی چند سال گذشته ابتدا کشور آلمان و سپس در سال گذشته کشور ژاپن را پشت سر بگذارد و امروز جایگاه دومین اقتصاد جهان را پس از آمریکا کسب کند. البته با چنین روند و رشد شتابانی به‌زودی چین، آمریکا را نیز پشت‌سر خواهد گذاشت. پس از چین، هند، روسیه و برزیل و در نهایت آفریقای جنوبی نیز چنین وضعیتی دارند؛ یعنی با رشد شتابان در حال نزدیک‌شدن به کشورهای ثروتمند جهان هستند. این کشورها اتحادی به نام گروه بریکس تشکیل داده‌اند. نکته قابل توجه کشورهای بریکس پرجمعیت بودن آنها از یک طرف و از طرف دیگر داشتن منابع طبیعی و وسعت قابل توجه است و همچنین آنها دارای بالاترین رشد اقتصادی بین سایر کشورهای جهان هستند (میرترابی و مهرداد، ۱۴۰۱: ۶۲).

۴- تقویت و تحکیم جایگاه اعضای بریکس در نظم نوین جهانی

در شرایط گذار کنونی حاکم بر جهان، کشورها و قدرت‌های اقتصادی مطرح هر کدام به دنبال آن هستند تا از طریق تشکیل اتحادیه و بلوک‌های سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای و بین‌المللی جایگاه خود را در نظم نوین جهانی بیش از پیش تقویت و تحکیم نمایند. یکی از این تشکل‌های نوظهور که درحال حاضر بیشتر جنبه اقتصادی دارد، گروه "بریکس" است. این گروه شامل پنج کشور برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی می‌گردد. پنج عضو بریکس سی درصد از مساحت کره زمین، بیش از چهل و سه درصد از جمعیت دنیا و بیست و پنج درصد تولید ناخالص جهان را در اختیار دارند. ذخایر ارزی پنج کشور یادشده بالغ بر ۴/۴ تریلیون دلار برآورد شده است. مقاله پیش‌رو سعی دارد با توجه به ویژگی‌ها و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل گروه مذکور، چشم‌انداز اقتصادی-سیاسی بریکس را مورد بررسی و ارزیابی قرار دهد. اعضای بریکس معتقدند این گروه حامی کشورهای در حال توسعه و کشورهای جنوب و برقرارکننده تعادل و عدالت اقتصادی در مقابله با نظام پولی و بانکی غربی است. بدین ترتیب یکی از دستور کارهای گروه بریکس را می‌توان تقابل با نظام اقتصادی غربی دانست که کل مناسبات جهانی را دربر گرفته است.

بریکس نمایانگر نیمی از جمعیت جهان است و ۲۶٪ قدرت اقتصادی جهان را در اختیار دارد. در سال ۲۰۱۲ ترکیب بندی اسمی تولید ناخالص داخلی این گروه، ۱۳۰۶ تریلیون دلار آمریکا است (منصوری و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۷).

۵- محورهای کلی مورد توجه بریکس

محورهای کلی مورد توجه بریکس بطور کلی شامل این موارد بوده است:

۱. افزایش مبادلات تجاری بین کشورهای عضو و در نتیجه تقلیل وابستگی اقتصادی به اروپا و آمریکا
 ۲. تشکیل بانک توسعه و ذخیره ارزی در برابر نهادهای غربی هم چون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول
 ۳. ایجاد روابط جنوب-جنوب
 ۴. استفاده از پتانسیل کشورهای در حال توسعه برای تغییر مناسبات اقتصاد جهانی و عادلانه‌تر کردن آن
 ۵. ایفای نقش مؤثر در کمک کردن به کشورهای در حال ورشکستگی
 ۶. تاثیرگذاری مثبت بر بحران‌های سیاسی یا اقتصادی مهم جهانی.
- شرکت گلدمن ساکس در سال ۲۰۰۱ میلادی پیش‌بینی کرد که چهار کشور چین، هند، روسیه و برزیل تا سال ۲۰۱۰ میلادی در مسیر توسعه اقتصادی قرار گرفته و دارای بالاترین نرخ رشد اقتصادی خواهند بود که با گذشت زمان و به حقیقت پیوستن بخش عمده‌ای از پیش‌بینی‌های این مؤسسه، اعتبار بیشتری در بین تحلیل‌گران اقتصادی پیدا کرد. بعد از این اجلاس، رهبران ارشد بریکس، در ۴ نشت دیپلماتیک دیگر (یکاترینبورگ، سائوپائولو، ژاپن و لندن) به منظور محکم ساختن پایه‌های شکل‌گیری گروه بریکس شرکت کردند.
- ویژگی بریکس نسبت به سازمان‌های دیگر، رشد پرشتاب اقتصادی اعضای آن است.

در این اجلاس کشورهای عضو بریکس بر موضوعاتی مانند روش‌های بهبود وضعیت اقتصادی و اصلاح نظام مالی جهان متمرکز شدند. همچنین این کشورها در مورد برقراری روابط پولی و تجاری نزدیک با یکدیگر و ایفای نقش مؤثر و بیشتر در امور اقتصادی جهان به بحث و تبادل نظر پرداختند.

این اجلاس دروازه‌ی عملیاتی شدن دیدگاه بریکس و دریچه‌ای بسوی تحقق آرمانهای آن‌ها گشود. از این جهت در اجلاس‌های دیگر همین خط سیر را دنبال کرده و سعی کردند تا هرچه بهتر بتوانند این اهداف و اصول را کاربردی‌تر و اجماع بر آن‌ها را متقن‌تر نمایند از این جهت تا پیش از اجلاس چهارم نخ تسبیح به همین منوال، دانه‌های سیاستگذاری اقتصادی را به طرف تشریک مساعی هدایت می‌نمود تا اینکه در چهارمین اجلاس بریکس، این کشورها تلاش نمودند تا گامی بزرگ‌تر بردارند؛ بنابراین جهت بردار خود را بسوی استقلال هر چه بیشتر و جدی‌تر راهبری نمودند (منصوری و همکاران، ۱۴۰۱: ۸۸).

۶- عضویت ایران در بریکس و تقویت تعاملات بین‌المللی

با گسترش تحریم‌های اقتصادی علیه ایران طی دهه‌های اخیر، تهران همواره به دنبال راهکارهایی برای کاهش تأثیرات این فشارها و تقویت جایگاه خود در نظام بین‌المللی بوده است. یکی از مهم‌ترین رویکردهای اخیر ایران در این راستا، تقویت روابط با قدرت‌های اقتصادی نوظهور و پیوستن به نهادهای چندجانبه، مانند گروه بریکس (BRICS) بوده است.

اجلاس بریکس که شامل کشورهای برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی است، بستری برای همکاری‌های اقتصادی و سیاسی بین قدرت‌های غیرغربی فراهم می‌کند. عضویت ایران در این گروه نه تنها به‌عنوان یک گام مهم در جهت تقویت تعاملات اقتصادی بین‌المللی و کاهش وابستگی به ساختارهای اقتصادی غربی تلقی می‌شود، بلکه از منظر

استراتژیک، پیام روشنی از سوی سران این گروه و بخصوص ولادیمیر پوتین به جهان غرب درباره هم‌پیمانی‌های جدید و مقابله با تحریم‌ها ارسال شده است.

نقش ایران در بریکس و پیامدهای استراتژیک آن در مسیر مقابله با تحریم‌ها، به‌ویژه در پرتو روابط نزدیک‌تر با روسیه و سایر اعضای این گروه، مورد بررسی قرار می‌گیرد. این تحولات نه‌تنها در صحنه بین‌المللی، بلکه در اقتصاد داخلی ایران نیز تأثیرات عمیقی خواهد داشت.

پیام مهم ولادیمیر پوتین به تهران در اجلاس بریکس در کازان روسیه نشان‌دهنده حمایت قوی روسیه از ایران در مسیر همکاری‌های چندجانبه و تقویت روابط اقتصادی و سیاسی دو کشور است. در این پیام، پوتین بر اهمیت روابط راهبردی بین ایران و روسیه تأکید کرده و پیوستن ایران به بریکس را گامی مهم در جهت افزایش همکاری‌های منطقه‌ای و جهانی برشمرده است (محمدی، ۱۴۰۳: ۱۹).

۷- پیامدهای استراتژیک عضویت ایران در بریکس در مسیر مقابله با تحریم‌ها

۱. تقویت چندجانبه‌گرایی

پوتین بر اهمیت همکاری در قالب بریکس برای مقابله با تحریم‌های غربی و کاهش وابستگی به سیستم‌های مالی تحت سلطه آمریکا تأکید داشته و این همکاری‌ها به‌ویژه در زمینه کاهش استفاده از دلار در تجارت و استفاده از ارزهای ملی کشورها است که به ایران کمک می‌کند تحریم‌های اقتصادی را دور بزند.

۲. حمایت از ایران در توسعه اقتصادی

پوتین به فرصت‌های اقتصادی عظیمی که برای ایران از طریق عضویت در بریکس فراهم شده اشاره و خواهان توسعه همکاری‌های اقتصادی دوجانبه و چندجانبه با ایران شده است. این همکاری‌ها شامل حوزه‌هایی مانند انرژی، فناوری و زیرساخت‌هاست.

۳. حمایت در برابر فشارهای بین‌المللی

پوتین بر حمایت روسیه از ایران در برابر فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های آمریکا تأکید کرد و اعلام داشت که همکاری‌های بریکس می‌تواند به کاهش فشارها بر ایران کمک کند و فرصت‌هایی جدید برای توسعه روابط اقتصادی فراهم آورد. پیام پوتین به ایران، در راستای تقویت روابط دوجانبه و هم‌به‌عنوان بخشی از استراتژی گسترده‌تر روسیه برای توسعه همکاری‌های چندجانبه و مقابله با هژمونی غرب در نظام بین‌المللی تفسیر می‌شود.

در عین حال، حضور رسمی ایران در اجلاس بریکس در روسیه ابعاد سیاسی، اقتصادی، استراتژیک و ژئوپلیتیکی متعددی دارد که به‌طور خاص به موقعیت ایران در نظام بین‌المللی و روابط آن با قدرت‌های نوظهور جهانی مانند روسیه و چین مرتبط است (سیمبر و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۷).

۸- ابعاد حضور ایران در بریکس

۱. ابعاد سیاسی

این حضور نشان‌دهنده تقویت روابط دیپلماتیک ایران با کشورهای عضو بریکس و به‌ویژه روسیه و چین است. ایران با پیوستن به بریکس، سعی در فاصله گرفتن از یک‌جانبه‌گرایی غرب و بهبود موقعیت خود در نظام بین‌المللی دارد. مشارکت ایران در این گروه، فرصتی برای مقابله با فشارهای سیاسی غرب و تحریم‌های بین‌المللی از طریق تقویت چندجانبه‌گرایی و همکاری با کشورهای جنوب جهان فراهم می‌کند.

۲. ابعاد اقتصادی

از نظر اقتصادی، بریکس یک بلوک اقتصادی قدرتمند است که نزدیک به ۴۰ درصد از اقتصاد جهانی را تا سال ۲۰۲۸ به خود اختصاص خواهد داد. پیوستن ایران به بریکس به تهران اجازه می‌دهد تا با استفاده از ظرفیت‌های اقتصادی این گروه، دسترسی به بازارهای جدید را فراهم کند و وابستگی به اقتصادهای غربی را کاهش دهد. یکی از اهداف کلیدی ایران، استفاده از ارزهای ملی در تبادلات تجاری است که به این کشور کمک می‌کند تا تحریم‌های مالی را دور بزند.

۳. ابعاد استراتژیک

از منظر استراتژیک، حضور ایران در بریکس بخشی از سیاست بلندمدت تهران برای تقویت استقلال استراتژیک و کاهش وابستگی به قدرت‌های غربی است. ایران به دنبال تثبیت خود به عنوان یک قدرت منطقه‌ای و افزایش نفوذ در ساختارهای چندجانبه مانند بریکس است که به تقویت موضع آن در برابر فشارهای خارجی کمک می‌کند.

۴. ابعاد ژئوپلیتیکی

از نظر ژئوپلیتیکی، ایران در منطقه‌ای استراتژیک واقع شده که نقش مهمی در تأمین انرژی جهانی دارد. حضور ایران در بریکس باعث تقویت موقعیت ژئوپلیتیکی آن به عنوان پل ارتباطی بین شرق و غرب می‌شود. ایران می‌تواند از این موقعیت برای ارتقای نقش خود در ترانزیت انرژی و تجارت منطقه‌ای و فراتر از آن بهره‌برداری کند. همچنین بریکس برای ایران فرصتی است تا با هم‌پیمانان خود در این گروه، به‌ویژه روسیه و چین، همکاری کند و اتحادهای منطقه‌ای را تقویت کند. ایران با این حضور به دنبال بهبود جایگاه خود در نظام بین‌المللی، کاهش وابستگی به اقتصادهای غربی و تقویت روابط استراتژیک با کشورهای نوظهور است (سیفی و خرمشاد، ۱۳۹۸: ۴۶).

۹- تقویت چندجانبه‌گرایی و تقابل با انزوای بین‌المللی

بریکس به عنوان یک بلوک اقتصادی و سیاسی چندجانبه، راهی برای ایران جهت کاهش انزوای بین‌المللی خود و تقویت دیپلماسی اقتصادی است. این گروه با تأکید بر همکاری‌های جنوب-جنوب و مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی، فضایی را فراهم می‌کند که ایران می‌تواند روابط خود را با کشورهای جنوب جهانی توسعه دهد و از حمایت‌های بین‌المللی بیشتری در برابر تحریم‌ها بهره‌مند شود.

در پایان باید گفت که عضویت ایران در گروه بریکس و نقش آن در این نهاد چندجانبه، گام‌های استراتژیک به سوی کاهش اثرات تحریم‌های اقتصادی و تقویت جایگاه بین‌المللی این کشور محسوب می‌شود. پیام ولادیمیر پوتین به ایران در اجلاس بریکس، نه تنها نشان‌دهنده حمایت روسیه از تهران در راستای مقابله با فشارهای بین‌المللی است، بلکه نشانه‌ای از تحولی عمیق در سیاست‌های جهانی و ظهور قدرت‌های جدید غیرغربی به شمار می‌آید.

با تأکید بر چندجانبه‌گرایی و همکاری‌های اقتصادی، ایران می‌تواند از فرصت‌های جدید در حوزه‌های انرژی، فناوری و زیرساخت‌ها بهره‌برداری کند و به تدریج وابستگی خود به سیستم‌های مالی تحت سلطه آمریکا را کاهش دهد. همچنین، از آنجا که بریکس یک بلوک اقتصادی قدرتمند به شمار می‌آید، این عضویت به ایران کمک می‌کند تا با دستیابی به بازارهای جدید و استفاده از ارزهای ملی در تبادلات تجاری، چالش‌های ناشی از تحریم‌های مالی را مدیریت کند.

از ابعاد سیاسی، اقتصادی، استراتژیک و ژئوپلیتیکی، حضور ایران در بریکس موجب تقویت روابط دیپلماتیک با کشورهای عضو و تثبیت موقعیت این کشور به عنوان یک بازیگر کلیدی در عرصه بین‌المللی می‌شود.

با استفاده از این پلتفرم، ایران می‌تواند به مقابله مؤثر با فشارهای بین‌المللی پردازد و جایگاه خود را در روابط اقتصادی و سیاسی جهانی تحکیم بخشد. در مجموع، تحولات اخیر در بریکس نشان‌دهنده تلاش ایران برای ایجاد یک دنیای چندقطبی و کاهش انزوای بین‌المللی خود است. این روند می‌تواند به تقویت دیپلماسی اقتصادی و همکاری‌های چندجانبه با کشورهای نوظهور کمک کند؛ بنابراین، چشم‌انداز عضویت ایران در بریکس به‌عنوان یک فرصت استراتژیک در راستای تغییرات ژئوپلیتیکی و اقتصادی قابل توجه است که تأثیرات آن می‌تواند در آینده‌ای نزدیک در صحنه بین‌المللی نمایان شود (محمدی، ۱۴۰۳: ۹۵).

۱۰- هدف ایران از عضویت در بریکس تقابل با غرب، دلارزدایی و دور زدن تحریم‌ها

دیدگاه مسلط بر ارکان حاکمیتی ایران مبتنی بر "اتمام روند شیفت و انتقال قدرت از غرب به شرق" شکل گرفته است. ایران هم اکنون عضو بریکس است و به دنبال عضویت در این گروه در راستای اهدافی مانند دلارزدایی و دور زدن تحریم‌ها است. ایران به دنبال عضویت در بلوکی است که در تقابل با غرب باشد اما شاهد چنین رویکردی در میان اعضای بریکس نیستیم. این مسأله را می‌توان در عضویت ایران در سازمان شانگهای نیز مشاهده کرد. ایران با عضویت در بریکس به دنبال رهایی از انزوایی است که به ویژه از سوی آمریکا ایجاد شده و همچنین در پی دور زدن تحریم‌ها به منظور سر و سامان دادن به وضعیت اقتصادی موجود بر کشور است. این مسأله دارای کاربرد داخلی نیز هست و در روند عضویت ایران در شانگهای هم شاهد آن بودیم. در بحث نگاه به شرق در ایران شاهد دو سطح هستیم. اولی چیزی است که در عمل اتفاق افتاده و شاهد آن هستیم و دومی هم تفکر و نگرش مقامات و حاکمیت کشور نسبت به این مقوله است.

در بحث نگاه حاکمیت همانگونه که در اظهارات آیت الله خامنه‌ای هم شاهد هستیم، نظم موجود بر روابط بین‌الملل یک نظم مبتنی بر انتقال قدرت به شرق و شرق محور است. دیدگاه حاکمیتی موجود در ایران مبتنی بر اتمام روند شیفت و انتقال قدرت به شرق است و به همین دلیل هم توسعه روابط مثلاً با چین به منظور بهره‌مندی از مزایای آن از اولویت‌های سیاست خارجی حاکمیت به شمار می‌رود. البته این دیدگاه یک دیدگاه صحیحی نیست. بررسی بازی کشورهای میانی چون ترکیه، عربستان، برزیل و اندونزی نشان می‌دهد که این کشورها در یک عمیق‌تر و دقیق‌تری از نظم در حال گذار دارند؛ یعنی تلقی این کشورها مبتنی بر این است که انتقال کامل قدرت از بلوک غرب به شرق هنوز صورت نگرفته، اما ایران چنین تلقی دارد و هدف تهران از عضویت در بریکس هم به منظور بهره‌مندی از امتیازات این نظم جدید است (حسینی و همکاران، ۱۴۰۳: ۶۲).

بحث و نتیجه‌گیری

همگونی و تجانس تولید و درآمد سرانه کشورهای بریکس طی دوره مطالعه به‌طور معناداری بهبود یافته است. هرچند سهم صادرات درون‌گروهی بریکس هنوز در سطح نازلی است، لیکن روند این شاخص‌ها بعد از شکل‌گیری بریکس روبه‌فزونی است. افزایش شاخص شدت صادرات ایران با بریکس (عمدتاً چین) نه تنها با تغییرات در صادرات جهانی ایران همسو نبوده، بلکه منجر به کاهش سهم ایران از صادرات جهانی شده است (انحراف تجارت). اگرچه همگرایی مشهودی میان اهداف گروه بریکس و سیاست خارجی ایران وجود دارد و منطقی‌تر قرار گرفتن در کنار قدرت‌های نوظهور، می‌تواند قدرت چانه‌زنی ایران در صحنه روابط بین‌المللی را افزایش دهد، اما لازمه بهره‌مندی از منافع اقتصادی، رفع تحریم‌ها و فراهم‌شدن زیرساخت‌های لازم اقتصادی و تجاری برای تعاملات اقتصادی مطلوب است. گفتنی است ایران

به دلیل انزوای غرب، به ویژه از ایالات متحده، سیاست‌هایی را با اهداف کاهش تحریم‌های اقتصادی، تمرکز بر دستیابی به خودکفایی، سیاست جایگزینی و تغییر جهت به سمت کشورهای شرقی برای اطمینان از تاب‌آوری اجرا کرده است. ایران با وجود تحریم‌ها، ثبات اقتصادی نسبی را حفظ کرده است، اما به دلیل محدود شدن سرمایه‌گذاری‌های جدید، با خطرهای دورافتادن از صنعت و پیری زیرساخت‌ها مواجه است. ایران با مشارکت در همکاری‌های دوجانبه و چندجانبه، تقویت روابط با چین و روسیه و پیوستن به بلوک‌بندی‌های نظیر بریکس با هدف جذب سرمایه‌گذاری تشکیل اتحادیه‌های جدید و مقابله با تحریم‌ها از طریق ابتکارهای مشترک با چین و روسیه و تلاش برای دلارزدایی و توسعه نظام‌های مالی جایگزین توانسته به منطقه‌گرایی جدید دست یابد. منطقه‌گرایی جدید با رویکرد منعطف و چندوجهی برای خنثی‌سازی آثار منفی تحریم‌ها و انزوای دیپلماتیکی با بهره‌گیری از مزایای همکاری منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، اجتناب‌ناپذیر است. با بریکس - پلاس، افزایش صادرات نفت به کشورهای عضو به خصوص چین، جذب سرمایه‌گذاری، افزایش گردشگری و کاهش هزینه‌های زنجیره تأمین برای ایران امکان‌پذیرتر شده است. بریکس فرصت‌های بیشتری را برای ایران فراهم می‌کند تا سبد ارزی را متنوع سازد. مزایای عضویت ایران در بریکس عبارتند از: افزایش صادرات کالاهای ایرانی، کاهش تحریم‌های آمریکا، واردات تجهیزات مورد نیاز، جذب سرمایه‌گذاری خارجی و استفاده از کریدور شمال-جنوب از جمله مزایای عضویت ایران در بریکس است.

علی‌رغم دیدگاه مسلط بر حاکمیت، نگاه‌های رقیبی مانند دیدگاه محمد جواد ظریف و علی اکبر صالحی وزرای خارجه پیشین ایران که معتقد هستند انتقال قدرت از غرب به شرق هنوز تثبیت نشده است نیز در ایران وجود دارد. براساس این دیدگاه، ایران نباید به صورت یکجانبه سر وقت چین یا روسیه برود بلکه باید به نوعی سیاست موازنه را در رویکردهای خارجی خود لحاظ نماید. حاکمیت در ایران غرب را به عنوان مخالف مبنایی انقلاب اسلامی می‌بیند و به همین دلیل نیز نگاه به شرق ایران یک نگاه ایدئولوژیک هم هست. از سویی هم نگاه یک جانبه به شرق تقویت کننده برخی گروه‌ها در داخل ایران و به طور مشخص محافظه کاران افراطی در مقابل دیگر گروه‌های سیاسی معتدل و اصلاح طلب است.

عضویت ایران در سازمان‌هایی مانند شانگهای و بریکس را هم از بعدی می‌توان در چارچوب این رقابت و تقویت الیگارش‌های طیف مورد نظر تحلیل کرد. در همین زمینه حتی وقتی که شخصی مانند شهید حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه وقت ایران در اوایل مسئولیت خود صحبت از توازن در سیاست خارجی کرد، توسط همین گروه‌ها و خبرگزاری‌های نزدیک به آنها مورد هجمه قرار گرفت؛ بنابراین لازم است شاخص‌های همچون اندازه‌گیری مزیت نسبی، پتانسیل تجاری و تجارت مکمل در صادرات و واردات که در سطح بین‌الملل مطرح هستند، محاسبه گردد تا فرصت‌های همگرایی تجاری ایران با کشورهای گروه بریکس مشخص و برای اخذ تصمیم‌های لازم در اختیار سیاست‌گذار قرار گیرد؛ بنابراین، اتخاذ یک دیپلماسی واقع‌بینانه، پویا، همه‌جانبه و سازگار با واقعیت‌های کشور ضروری بوده و مستلزم مطالعات و پژوهش‌های بیشتر در این خصوص است.

در پایان باید گفت که طبیعتاً نگاه به شرق به تنهایی منفی نیست اما سیاست خارجی ایران باید براساس موازنه میان غرب و شرق شکل گیرد.

منابع و مأخذ

- اسماعیلی میاردان، الهه؛ نجفقلی زاده، مریم (۱۴۰۳). فرصت های عضویت در بریکس برای توسعه اقتصادی ایران، سومین کنگره بین المللی مدیریت، اقتصاد، علوم انسانی و توسعه کسب و کار.
- بایزیدی، رحیم؛ میرترابی، سیدسعید (۱۴۰۳). نظام تحریم گرایي و اقتصاد سیاسی تحریم در سیاست داخلی و خارجی آمریکا: واکاوی اثربخشی و چالش های تحریم گرایي آمریکا، نشریه روابط خارجی، دوره ۱۶، شماره ۲: ۲۹-۶۲.
- حسینی، میرعبداله؛ فتحی، یحیی؛ امیراحمدیان، بهرام (۱۴۰۳). نقش و جایگاه بریکس - پلاس BRICS-PLUS در اقتصاد جهانی و فرصت های پیش روی ایران، دوره ۱۳، شماره ۴۹ - شماره پیاپی ۳۰۳-۳۳۶.
- خطیب، محمد علی (۱۳۹۴). «اقتصاد توسعه»، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
- رسولی نژاد، احسان (۱۴۰۳). مطالعات کشورها (ویژه نامه بریکس)، دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، سال دوم، تابستان، (۲)، ۱۸۵-۱۸۷.
- سیفی، عبدالرضا؛ خرمشاد، محمدباقر (۱۳۹۸). بریکس و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی تحقیقات سیاسی و بین المللی، ۱۱ (۴۰)، ۳۶-۵۳.
- سیمبر، رضا؛ رضایپور، دانیال؛ فاضلی، سامان (۱۳۹۸). فرصت های ایران در قبال نقش آفرینی گروه بریکس در نظام بین الملل چندقطبی. سیاست های راهبردی و کلان، ۷، ۱۶۴-۱۸۸.
- علیپورگرگی، محمود؛ سیفی، عبدالمجید؛ روزبهرانی، محدثه (۱۳۹۹). جایگاه جمهوری اسلامی ایران در موازنه سازی نرم روسیه در قبال آمریکا، تحقیقات سیاسی و بین المللی، دوره ۱۲، شماره ۴۲: ۱-۱۵.
- کهن هوش نژاد، روح اله؛ قریب، حسینعلی (۱۴۰۳). فرصت ها و چالش های اقتصادی عضویت ایران در گروه بریکس پلاس، مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، دوره ۷، شماره ۲: ۱۱۷-۱۳۴.
- مرزبانی، فروزان؛ پلونده، حسین (۱۳۹۹). چشم انداز عضویت ایران در بریکس و تحلیل ظرفیت های آن در آینده مناسبات دو طرف، ماهنامه پژوهش ملل، دوره ۶، شماره ۶۱: ۲۹-۴۲.
- منصوری، میلاد؛ ترابی، محمد؛ حیدرپور، ماشاله (۱۴۰۱). تحلیل راهبرد توسعه اقتصادی قدرت های نوظهور اقتصادی گروه بریکس، چشم انداز آینده. سیاست جهانی، ۱۱ (۱)، ۱۰۷-۱۲۷.
- میرترابی، سعید و مهرداد، فلاح (۱۴۰۱). چین، بریکس و تحول در نظم نهادی اقتصاد جهانی. مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، دانشگاه رازی، (۲) ۵، ۴۱۵-۴۴۶.

Bordachev, Timofei & colleges (2020) "BRICS and the Rivalry Pandemic", The Foundation for Development and Support of the Valdai Discussion Club, 42 Bolshaya Tatarskaya st, Moscow, 115184, Russia, p 7-27.

Gutemberg Pacheco Lopes Junior. "The Sino-Brazilian Principles in a Latin American and BRICS Context: The Case for Comparative Public Budgeting Legal Research; Wisconsin International Law Journal; 13 May 2015" (PDF). University of Wisconsin Law School.

O'Sullivan, Arthur; Sheffrin, Steven M. (2013). Economics: Principles in Action. Upper Saddle River, New Jersey: Pearson Prentice Hall.